

## افتخاری دیگر در گنجینه ادبیات آذربایجان

محمدصادق نائبی

باز یکی دیگر از گنجینه های ادب و فرهنگ ترکی به جهانیان معرفی گردید. هنوز در سالگرد کشف «قارا مجموعه»ی شیخ صفی الدین اردبیلی بدست پروفیسور دکتر محمدزاده صدیق هستیم که شاهد یکی دیگر از شاهکارهای ایشان شدیم. همه احتمالات، اگر و اماها، شایدها، قریب به یقین ها، گفته می شودها و ... کنار گذاشته می شود و دکتر صدیق غبار ۶۰۰ ساله را از چهره مظلوم و مدفون «گلشن راز ترکی» متعلق به «شیخ ولی شیرازی» برمی دارند. حقا که چنین دروازه ای بدست چنین سرداری باید گشوده شود. دکتر محمدزاده صدیق در طول ۴۰ سال کار علمی خویش آثار چندی از متون قدیمی ترکی را کشف، بازخوانی و منتشر کرده است که از آن جمله می توان به اشعار ترکی مولوی در «مکتب مولویه»، دیوان غریبی و قارا مجموعه شیخ صفی اشاره داشت.

حال نگاهی به «گلشن راز» اصلی و خالق آن، سپس «گلشن راز ترکی» و خالق آن و مقایسه آندو می پردازیم.

### • گلشن راز فارسی

«محمود بن عبدالکریم بن یحیی شبستری» معروف به «شیخ محمود شبستری» آفریننده «گلشن راز» می باشد. در سال ۶۹۳ هجری قمری در شبستر آذربایجان دیده به جهان گشود و در سال ۷۲۵ هجری در عنفوان جوانی دیده از جهان بریست. از آثار ایشان می توان اشاره کرد به: «حق الیقین فی معرفه رب العالمین»، «مرآت المحققین»، «سعادتنامه» و «گلشن راز».

کتاب اخیر آنچنان معروف است که شیخ را بیشتر با آن می شناسند و وی را «صاحب گلشن راز» می نامند. این کتاب به تصریح شیخ در سال ۷۱۷ هجری نگاشته شده است. چنانکه می گوید:

### گذشته هفت و ده از هفتصد سال ز هجرت ناگهان در ماه شوال

شیخ در ۲۴ سالگی بصورت شعر به سئوالات فلسفی امیرحسینی هروی خراسانی پاسخ می دهد و دریائی از معارف عرفانی - فلسفی را برمی گشاید. گلشن راز ۹۹۹ بیت بوده و در قالب عروضی «هزج مسدس محذوف» سروده شده است. از زمان شیخ محمود تاکنون در حدود پنجاه شرح فارسی بر این کتاب نوشته شده است که محمدعلی تربیت در کتاب «دانشمندان آذربایجان» به ۲۱ مورد اشاره کرده است (ص ۳۳۴).

در کنار تحشیه و تشریح این اثر کم نظیر ، شعرا و دانشمندان زیادی سعی در تقلید از این اثر کرده اند که از آن نمونه می توان به «مصباح الهدایه»ی «عماد فقیه» معاصر با شیخ اشاره داشت.

«گلشن راز» را در کنار یک کتاب ادبی می توان کتاب فلسفی ، عرفانی ، ریاضی ، هیئت و نجوم ، فیزیک و ... نامید. با تعمق در ابیات شیخ می توان ملاحظه کرد که شیخ لاقلاً ۱۰۰۰ سال از زمانه اش پیش بود چراکه بعد از ۷۰۰ سال اشعار وی در قالب فرضیه و تئوری (نه تجربی) به جهان معرفی می گردد. آنهم توسط دانشمندانی چون گالیله ، ایزاک نیوتن ، آلبرت آینشتاین و یا پروفیسور محمود حسابی. شیخ در این کتاب صرفاً به سئوالات هروی خراسانی پاسخ می دهد و در محدوده سئوالاتش ، دریائی از حقائق به روی جهان برمی گشاید. حال اگر هرآنچه داشت عرضه می کرد ، یقیناً بسیار گسترده تر از این مسائل بود و صدها سال دیگر بایستی پای اندیشمندان جهان به جا پای شیخ می رسید. لذا از کنار ابیاتی مانند زیر نباید براحتی گذر کرد و جا دارد دانشمندان روی ظرائف ، دقائق و ایما و اشارات این اشعار شیخ بیشتر دقت کنند تا شاید به فرضیه ها و نظریه های جدیدی برسند:

اگر یک ذره را دل برشکافی	برون آید از او صد بحر صافی (بحث اتم)
دل هر حبه ای صد خرمن آمد	جهانی در دل یک ارزن آمد (بحث اتم)
اگر یک ذره را برگیری از جای	خلل یابد همه عالم سراپای (قانون جاذبه اجرام سماوی نیوتن)
به هر روز و شبی این چرخ اعظم	کند دوری تمامی گرد عالم (حرکت زمین و ثبات خورشید گالیله)
وز او افلاک دیگر هم بر آن سان	به چرخ اندر همی باشندگردان (حرکت زمین و ثبات خورشید گالیله)
تو مغز عالمی زان در میانی	بدان خود را که تو جان جهانی (نظریه بی نهایتهای پروفیسور حسابی)

علامه محمدتقی جعفری (رحمه الله) می گوید: روزی در آزمایشگاه پروفیسور حسابی با ایشان نشسته بودم. از وی خواستم نظریه بی نهایتها را برایم توضیح دهد. پس از توضیح گفتم: این که ۷۰۰ سال پیش توسط شیخ محمود شبستری ارائه شده است و بیت «تو مغز عالمی ...» را برایشان خواندم. دکتر حسابی آنقدر به وجد آمده بود که آنرا سریعاً نوشت و تا آخر عمر در سر در آزمایشگاهش نصب نمود.

### • گلشن راز ترکی

اینجا هم جای افسوس می ماند که چرا شیخ مانند بسیاری از اسلاف و اخلاف خویش ترکی می اندیشد و پارسی می سراید. شکی نیست که اگر شیخ به زبان مادری اش لب به سخن می گشود بسیار گهربارتر می سراید. شاید بدان خاطر که سئوالات مطروحه فارسی بوده است.

بهرحال در کنار تشریح و تحشیه و تقلید فارسی ، شاعران و اندیشمندان ترک نیز از ترجمه آن غافل نماندند. نخستین بار در سال ۱۸۸۹ میلادی W.Pertsch و B.Flemming توسط کاتالوگهای نسخ خطی از وجود ترجمه ترکی گلشن راز در کتابخانه های وین و پاریس خبر دادند.

از جمله این ترجمه ها می توان به ترجمه «**شیخ الوان ولی شیرازی**» اشاره کرد. شاید اطلاق لفظ «ترجمه» در خور این اثر نباشد چراکه ایشان از مریدان «**حاج بایرام ولی**» و از پیروان مکتب عرفانی مولویه بود و خود در این مباحث صاحب نظر بود ولی به رسم ادب و احترام و امانتداری غالباً به گفته های شیخ تکیه کرده و آنرا شرح داده اند برای همین ۱۰۰۰ بیت شیخ در اینجا به ۲۰۰۰ بیت فزونی یافته است. بهرحال شیخ ولی شیرازی یکی از گنجینه های ادب ترکی را خلق می کند.

در مورد زمان تولد و سال سرودن کتاب به ابیات زیر مراجعه می کنیم:

**آغی قی—لدیم قارا ، قارادی آغیم**      **یاخین دیر اللی یه ایرمه گه چاغیم**  
**شیرین یوزو دولو قویون - قوزوبدی**      **سگیز یوز و ایگیری دو قوزوبدی**

در سال ۸۲۹ و نزدیک به ۵۰ سالگی کتاب را سروده است. لذا شیخ ولی در سال ۷۸۰ متولد شده و در ۵۰ سالگی گلشن راز ترکی را سروده است. عبارتی گلشن راز شیخ ولی ۱۱۲ سال بعد از گلشن راز شیخ محمود سروده شده است و شیخ ولی حدوداً ۸۵ سال بعد از شیخ محمود متولد شده است. متأسفانه سال وفات شیخ معلوم نیست. و اما به گلشن راز ایشان از سه محور می توان نگاه کرد:

- قسمی که ترجمه مستقیم و سلیس است که کلمات فارسی زیادی در آنها مشاهده می شود که به رسم امانتداری و حفظ وزن شعر آورده شده است. مانند: آیین آدی اولور اؤنده تفکر (نخستین نام وی باشد تفکر)
- قسمی که شرح ابیات است. مانند ابیات زیر برای «ز خط وهمی های هوبت - دوچشمی میشود در وقت رؤیت»

**هؤویت هائی دیر بیر خلقه صورت**      **کیم ائدرلر آنا هادی هؤویت**  
**چکیلیمیش آندا وار بیر خط وهمی**      **آنی قوسئین ائیلر ، گؤر بو سهمی**

- قسمی که مربوط به ارائه نظرات و فکر و اندیشه شیخ ولی مربوط می گردد و شیخ در آن مورد حرفی نگفته است. بخاطر اینکه در این قسمتها مقید به ترجمه نبوده است واقعاً ترکانه اندیشیده و ترکانه سخن رانده است که علاوه بر معارف عمیق عرفانی و فلسفی ، گنجینه ای از لغات اصیل ترکی است و اینجا جای افسوس دارد که اگر خود شیخ محمود اینکار را می کرد چه می شد؟ مانند:

بو عکسی گۆرمه دی ابلیس ملعون      آنین چون امری سیندی اولدو مغبون  
سنی سن آنلا ایندی اشبو سؤزدن      نه گۆره نین گۆزونه اشبو یوزدن  
نه کیم تن یارادیلیمشیدیر جهاندا      قامونون جمع اولوبدور جانی سنده

• دکتر صدیق و گلشن راز

در آستانه ششصدمین سال سرودن گلشن راز ترکی ، بالاخره غبار غربت و مظلومیت از چهره آن برداشته شده و یکی دیگر از مفاخر زبان باستانی ترکی به جهان معرفی می گردد. امید بر آن داریم که هر روز شاهد کشف مفاخر دیگری از زبان ترکی و معرفی به جهانیان باشیم.

همانگونه که در مقدمه کتاب منتشره می خوانیم ، دکتر صدیق دقیقاً از ۴۰ سال پیش شیفته «گلشن راز» شده و در نوجوانی تقریباً آنرا حفظ کرده و حتی تلاش در ترجمه آن می نمایند اما در آن سالها ناکام می ماند. افسوس میخورند که چرا شیخ محمود به گلشن راز لباس فاخر ترکی نپوشانده است. چرا مانند مولوی و گنجوی و هزاران از این دست ، ترکانه اندیشیده و پارسی سخن رانده است. سالها آنرا مطالعه و تحقیق و تدریس می نماید. می داند که گلشن راز صدها سال پیش ترجمه و تحشیه شده است اما در دستیابی به آن ناکام می ماند تا اینکه درخت تلاش ۴۰ ساله شان در نوروز ۱۳۸۰ ثمر داده و در باکو نسخه خطی آنرا می یابند و آنرا بازخوانی می نمایند.

بازخوانی نسخه مذکور با نگارشی متمایل به دوره صفوی در شرایطی سخت است که گاهی بخاطر احتمالاً خستگی اصلاً نمی توان احتمال داد که اینها کلمات و جملات معنی دار هستند یا خطوط منحنی اتفاقی که نمونه آن در کتاب مذکور آورده شده است.

نگارش متداول آن دوره مانند نگارش عربی بوده و حتی آواها نیز بیشتر بصورت حرکه نوشته می شد. مانند: یُخار (یوخاری) ، پنبقده (پانیبقدا). یا اینکه «ک» برای نشان دادن سه حرف «کاف - یا - نون» اطلاق می شد. بهرحال اگر در کنار اینها بدخطی و حتی اشتباهات سهوی کاتب هم جمع گردد ، بازخوانی آن واقعاً بعید به نظر خواهد رسید. بهرحال پس از ماهها تلاش شبانه روزی ، دکتر صدیق با قلم توانمندشان آنرا بازخوانی کرده و منتشر نمودند.

دست مریزاد به این استاد خستگی ناپذیر که در عرض یکسال دو گنجینه کهن ترکی را به جهانیان معرفی نمودند. یکی ، از شرق کوههای سبلان و دیگری از غرب آن. جالب اینکه هر دوی آنها (شیخ صفی و شیخ محمود) معاصر بودند و چه بسا آشنائی هم داشته اند.

امید آن می رود که هر روز بر گنجینه های متون کهن ترکی افسوده گردد و غباری از روی گنجی پاک شده و به جهان معرفی کنیم. نیک می دانیم که چنین کاری برای زبان ترکی بدست افراد انگشت شماری مانند دکتر صدیق امکانپذیر

است. بعنوان برادری کوچک که همیشه خود را خادم و بدهکار زبان ترکی و زادگاهم آذربایجان میدانم ، از همه عزیزان و دوستاران اعتلای زبان ترکی استدعا دارم ، کاری بدین عظمت را نادیده نگرفته و براحتی برای درهم کوفتن تلاش کسی قلم به دست نشویم. اگر هم خدای ناکرده اغراض شخصی داریم نباید موجب سوء استفاده بیگانگان گردد. متأسفانه سال گذشته پس از کشف و انتشار کتاب ۷۰۰ ساله «قارا مجموعه» عده ای خواسته یا ناخواسته بخاطر کوچک جلوه دادن زحمات دکتر صدیق بدیشان تاختند ولی در واقع «قارا مجموعه» مورد تاخت قرار گرفت. برایم سئوالی پیش می آید و آن اینکه چرا با کشف غزلی از حافظ در کتابخانه های هند و اضافه شدن آن به دیوان حافظ ، مجدداً دهها هزار جلد دیوان چاپ شده و تبلیغ می گردد اما با کشف مجموعه سترگی چون قارا مجموعه یا گلشن راز و ... یا سکوت اختیار می کنیم یا بر آن می تازیم. نه این است که درخت از درون خود کرم می خورد. نه این است که اگر چنین گنجینه هائی در زبان قند و شکر فارسی! پیدا می شد در بوق و کرنا می رفت و دهها سمینار و کنفرانس تشکیل می شد.

بیائید در جشن بزرگ کشف یکی دیگر از مخازن علم و فرهنگ زبان مظلوممان سهمیم باشیم و در مقابل جهانیان به خود ببالیم.